



A Comparative Study of the Concept of Hijrah in the Qur'an: An Analysis of the Views of Prominent Exegetes

Mohammad Ali Alipour^{a*}

^a Level 4 (Advanced Studies), Khorasan Seminary, Mashhad, Iran

KEYWORDS

Hijrah; Qur'an; Exegesis;
Prominent Exegetes;
Supreme Leader

Received: 10 July 2025;
Accepted: 26 July 2025

Article type: Research Paper
DOI:10.22034/ijj.2025.2065456.1045

ABSTRACT

A precise examination of the verses and expressions of the Qur'an in order to attain a profound understanding of the divine message is both essential and foundational. The concept of *hijrah* has been articulated by exegetes in diverse forms and at multiple interpretive levels, and the divergence of their views has rendered an exact understanding of the relevant verses challenging. This article gathers and analyzes the perspectives of more than thirty authoritative Qur'anic commentaries representing various methodological approaches, employing a descriptive-analytical method. The findings indicate that most exegetes have confined the meaning of *hijrah* to the historical migration of the Prophet (peace and blessings be upon him and his family) from Mecca to Medina. Others have expanded its meaning, interpreting *hijrah* as the abandonment of disbelief and sin and the movement toward faith. However, the Supreme Leader, through a novel analysis, understands *hijrah* not merely as a historical event or an individual transformation, but as a social and civilizational movement signifying the transition from the authority of *tāghūt* (tyrannical rule) to the authority of the just Imam. This interpretation reveals deeper dimensions of the concept of *hijrah* and underscores its social and political contexts. The author maintains that the Supreme Leader's approach engages the Qur'anic reality of *hijrah* in a more comprehensive and precise manner.

* Corresponding author.

E-mail address: mohammad.a.a.1367@gmail.com





مطالعه تطبیقی مفهوم هجرت در قرآن؛ مقایسه نظرات مفسران مشهور

محمدعلی علیپور^{الف*}

^{الف} سطح ۴ حوزه خراسان، مشهد، ایران، mohammad.a.a.1367@gmail.com

چکیده	واژگان کلیدی
<p>بررسی دقیق آیات و کلمات قرآن برای دستیابی به مفهوم عمیق از پیام الهی امری ضروری و بنیادین است. مفهوم هجرت در کلام مفسران به صورت‌ها و در لایه‌های گوناگونی تبیین شده است و اختلاف آراء ایشان، فهم دقیق آیات را دشوار ساخته است. در این مقاله، دیدگاه‌های بیش از ۳۰ تفسیر معتبر قرآن با رویکردهای مختلف گردآوری و تحلیل شده و به روش تحلیلی-توصیفی فراهم شده است. نتایج نشان می‌دهد که اغلب مفسران، هجرت را صرفاً به واقعه تاریخی مهاجرت پیامبر (صلی الله علیه و آله) از مکه به مدینه محدود کرده‌اند؛ برخی دیگر، معنای هجرت را فراتر برده و آن را به ترک کفر و گناه و حرکت به سوی ایمان تفسیر نموده‌اند. با این حال، مقام معظم رهبری با ارائه تحلیلی نوین، هجرت را نه فقط یک رخداد تاریخی یا تحول فردی، بلکه حرکتی اجتماعی و تمدنی می‌داند که به معنای گذار از ولایت طاغوت به ولایت امام عادل است. این تفسیر، ابعاد عمیق‌تری از مفهوم هجرت را آشکار می‌سازد و زمینه‌های اجتماعی و سیاسی آن را برجسته می‌کند. نگارنده بر این باور است که رویکرد رهبری معظم، جامع‌تر و دقیق‌تر به حقیقت قرآنی هجرت پرداخته است.</p>	<p>هجرت، قرآن، تفسیر، مفسران مشهور، مقام معظم رهبری</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۰۴ مقاله علمی پژوهشی</p>

۱. مقدمه

قرآن کریم به عنوان کتاب آسمانی مسلمانان، حاوی آموزه‌های عمیق و دینی است که فهم آن‌ها نیازمند پژوهش و بررسی دقیق و عمیق است. یکی از مفاهیم کلیدی و مهم در قرآن "هجرت" است که در تفسیر آن توسط مفسران، نظرات متنوع و پیچیده‌ای ارائه شده است. این تنوع در دیدگاه‌ها موجب ایجاد چالش‌هایی در فهم دقیق و صحیح آیات مربوط به هجرت گردیده است.

بی‌تردید، بررسی و تحلیل آیات قرآن در زمینه هجرت می‌تواند به روشن‌سازی ابعاد مختلف این مفهوم و تبیین بهتر پیام الهی کمک کند. با توجه به این که هجرت در نظر برخی مفسران تنها به واقعه تاریخی مهاجرت پیامبر (صلی الله علیه و آله) محدود شده، مشاهده می‌شود که برخی دیگر به جنبه‌های معنوی و اجتماعی آن پرداخته‌اند. این اختلافات در تفسیر هجرت، ضرورت پژوهش در این زمینه را بیشتر می‌کند.

هدف این مقاله، گردآوری و تحلیل نظرات بیش از ۳۰ تفسیر معتبر قرآن با رویکردهای مختلف درباره مفهوم هجرت است. این تحقیق با رویکرد تحلیلی-توصیفی انجام شده و نتایج آن حاکی از آن است که تفسیر مقام معظم رهبری از هجرت، به عنوان حرکتی اجتماعی و تمدنی که به معنای گذار از ولایت طاغوت به ولایت امام عادل است، ابعاد عمیق‌تری

* نویسنده مسئول

از این مفهوم را نمایان می‌سازد. در نهایت، این رویکرد می‌تواند راهگشای فهم جامع‌تری از پیام‌های الهی و ابعاد اجتماعی آنها باشد.

سوال اصلی مقاله این است که مفهوم هجرت در قرآن و نظرات مفسران مشهور پیرامون آن چگونه است؟ و سوالات فرعی این پژوهش این است که مفسران مختلف چه نظراتی دارند؟ و گرایش‌های گوناگون تفسیری در این موضوع چه تبیینی ارائه داده‌اند؟

۲. پیشینه

درباره‌ی پیشینه این پژوهش باید گفت بر اساس جستجوی‌هایی که نگارنده انجام داده در هیچ یک از پایان‌نامه‌ها، مقاله‌ها و کتاب‌ها مسئله «مقایسه مفهوم هجرت در کلام مفسران مشهور با کلام مقام معظم رهبری» یافت نشد. پژوهش‌های انجام گرفته درباره هجرت شامل مقالاتی مانند «جلوه‌های هجرت در حج از منظر عرفای مسلمان قرن پنجم و ششم هجری قمری» اثر آقای سید محمد قاضی عسکر، «کارکرد تمدن سازانه هجرت امام رضا (علیه السلام) به ایران»، تألیف آقای محمد هادی همایون، «خوانشی نو از تفسیر دو مفهوم نفاق و هجرت در سوره عنکبوت با تکیه بر نزول پیوسته این سوره در مکه» نوشته شده توسط خانم زهرا کلباسی، «قلمرو جغرافیایی اران و ارمینیه در سده‌های نخستین هجرت بر پایه گزارش جغرافی‌نگاران اسلامی» اثر آقای علیرضا شالباف و «بررسی جامعه‌شناختی خشونت علیه زنان در داستان هجرت سلیمان با تاکید بر هویت زنان» تألیف خانم سعیده درویشی «جایگاه «هجرت» از نگاه قرآن کریم» اثر آقای حسین کریمی و «تبیین جایگاه هجرت در سبک زندگی اسلامی از دیدگاه قرآن» نوشته‌ی خانم طلعت حسنی را در برمی‌گیرد. نزدیک‌ترین پژوهش که می‌تواند هم‌ردیف پژوهش حاضر باشد، «واکاوی مفهوم هجرت در قرآن کریم بر پایه تحلیل روابط همنشینی» نوشته‌ای از خانم زهرا صرفی است که در شماره ۱۶ نشریه مطالعات قرآن و فرهنگ اسلامی منتشر شده است. ایشان درباره هجرت در این مقاله به تحلیل روابط همنشینی، به بررسی مفهوم قرآنی هجرت و کشف لایه‌های معنایی آن می‌پردازند. در پژوهش ایشان ادعای «مقایسه مفهوم هجرت در کلام مفسران مشهور با کلام مقام معظم رهبری» به صورت تفصیلی و با تکیه بر مبانی خاص مفسران مشهور و رهبر معظم انقلاب، اثبات نشده و از این رو نمی‌توان پژوهش پیش‌رو را تکرار سخن ایشان دانست و علاوه بر آن از نوآوری‌های این پژوهش می‌توان به جمع‌آوری نکات مفسران در گرایش‌های گوناگون اشاره کرد که در بحث هجرت لایه‌های مختلفی را تبیین کرده‌اند ولی به طور یک جا تا به حال جمع نشده است.

۳. مفهوم شناسی هجرت

هجرت: در لسان العرب هجرت به معنای ترک کردن مطرح شده است. (ابن منظور، ۲۵۱ / ۵) هجرت از ماده هجر به معنای ترک و جدایی است، مهاجرت در اصل به معنای بریدن از دیگری و ترک وی است. (راغب اصفهانی، ۵۳۶ / ۱) مفسران مشهور: در بحث ما منظور از مفسران مشهور، تفاسیری از گرایش‌های مختلف تفسیری است که در اذهان قرآن پژوهان بیشتر مورد استفاده قرار گرفته است. و نیز این تفاسیر قوت بیشتری از سایر تفاسیر دارد.

۴. بررسی و تحلیل اقوال مفسران پیرامون هجرت

در بحث‌های تفسیری معمولاً بین مفسران در گرایش‌های گوناگون تفسیری به دلیل این که مبانی متفاوتی را در اخذ کرده‌اند، اختلاف نظر وجود دارد. و حتی بین تفاسیر در یک گرایش هم گاهی شبهات زیاد نیست. مفسران قرآن در طول تاریخ و در مکان‌های مختلف زندگی و فعالیت کرده‌اند. این مفسران ممکن است از زمان، فرهنگ، تجربه و شرایط محیطی مختلفی برخوردار باشند که باعث ایجاد نظرات متفاوت در تفسیر قرآن شود. و نیز مفسران از ابزارها و روش‌های مختلفی برای تفسیر قرآن استفاده می‌کنند. تجربه، تعلیمات، و دیدگاه‌های فردی هر مفسر ممکن است تأثیر زیادی بر روی نظرات و تفسیراتش داشته باشد. تحقیقات و مطالعات مفسران نیز ممکن است منجر به ارائه نظرات و تفسیرات متفاوتی شود. بنابراین، اختلافات در نظرات مفسران قرآن ممکن است به دلایل متعددی ناشی شود که ترکیبی از این دلایل می‌تواند به تنوع و انعکاس گوناگونی از تفسیر قرآن منجر شود.

در ذیل به بررسی آراء مفسران در گرایش‌های مختلف، پیرامون مفهوم هجرت می‌پردازیم.

۴.۱. بررسی و تحلیل اقوال تفسیری مفسران با رویکرد اجتهادی

تفسیر اجتهادی به‌عنوان یک رویکرد مهم در علوم اسلامی، به بررسی و تفسیر مفاهیم اسلامی با توجه به شرایط خاص اجتماعی، فرهنگی و زمانی می‌پردازد. این رویکرد بر ضرورت درک دقیق و عمیق شرایط موجود تأکید دارد و تلاش می‌کند تا مفاهیم اسلامی را به شیوه‌ای تطبیق دهد که با نیازها و چالش‌های معاصر هماهنگ باشد. علمای اسلام به واسطه تحلیل عمیق شرایط فعلی جامعه و تحولات جدید، در پی ارائه راهکارهایی هستند که به مراعات اصول اسلامی در مواجهه با این شرایط منجر شود. تفسیر اجتهادی به‌ویژه بر اهمیت راهنمایی‌های اسلامی در مواجهه با موقعیت‌ها و چالش‌های معاصر تأکید دارد و هدف آن ارتقا و بهبود زندگی اجتماعی و فردی انسان‌ها است. از این رو، تفسیر اجتهادی نه تنها به درک بهتر از مفاهیم دینی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند زمینه‌ساز ارائه راهکارهای کارآمد در راستای حل معضلات معاصر باشد.

در تفاسیر اجتهادی، کلمه هجرت را معمولاً به معنای انتقال از سرزمین کفر به سرزمین اسلام بیان کرده‌اند. همچنانکه در تفسیر شریف المیزان هجرت از سرزمین کفر به سرزمین ایمان را هجرت دانسته‌اند. و تفسیر تبیان و طبری و نفحات الرحمن نیز این گونه ذکر شده است: «هجرتهم من دار الکفر إلى دار الإیمان» (طباطبایی، ۱۳۶۹۰: ۲۰۶/۱۹) «ان من یفارق وطنه، و یخرج من أرض الشرك و أهله هرباً بدینه إلى أرض الإسلام و أهلها و المهاجر فی سبیل اللّٰه یعنی منهج دین اللّٰه و طریقہ الذی شرعه لخلقہ» (طوسی، بی‌تا: ۳/۳۴) «و من یفارق أرض الشرك و أهلها هرباً بدینه منها و منهم إلى أرض الإسلام و أهلها المؤمنین» (طبری، ۱۴۱۲: ۵/۱۵۱) «من دار الشُّرك إلى دار الإسلام» (نہاوندی، ۱۳۸۶: ۲۷۴/۲)

آیت الله جوادی آملی در تفسیر تسنیم، هجرت درونی و حرکت از تاریکی به سمت نور را در معنای هجرت بیان کرده‌اند: «هجرت از ظلمت به نور و از کفر به ایمان و از گناه و نافرمانی به اطاعت و فرمانبری از مصادیق چنین هجرتی است که پیام اصیل و فراگیر پیامبران و کتابهای آسمانی همین است.» (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۱/۴۱)

تعدادی از تفاسیر اجتهادی، بحث هجرت را هم مکانی می‌دانند و هم هجرت درونی بیان کرده‌اند. یعنی هر دو احتمال را در این مفهوم صحیح می‌دانند. از جمله‌ی این تفاسیر می‌توان به تفسیر نمونه و تفسیر روض الجنان یاد کرد: «از نظر اسلام تنها هجرت مکانی و خارجی نیست، بلکه باید قبل از این هجرت هجرتی از درون آغاز شود... اصولاً روح

هجرت همان فرار از ظلمت به نور و از کفر به ایمان، از گناه و نافرمانی به اطاعت فرمان خدا است.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۸۹ / ۴) «هجرت بر سه وجه بود: یکی هجرت مؤمنان با رسول - علیه السلام - از مکه به مدینه، دوم هجرت کافران و منافقان باشد از کفر و نفاق با ایمان... و سهام هجرت مؤمنان معاصی.» (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸: ۴۷ / ۶)

گروهی دیگر از تفاسیر، در تبیین مفهوم هجرت، آن را حرکت از مکه به مدینه را معیار می‌دانند. یعنی بحث مکان را در بحث هجرت معیار اصلی می‌دانند. در تفسیر روح المعانی، کاشف و تفسیر کبیر این گونه ذکر شده است: «المهاجرون الذین هجروا أوطانهم و ترکوها لأعدائهم فی الله لله عزّ و جل» (الوسی، ۱۴۱۵: ۲۳۲ / ۵) «هاجروا من دیارهم تارکین مساکنهم و مزارعهم نهبا للمشرکین رغبة فی مرضاة الله» (مغنیه، ۱۴۲۴: ۵۱۱ / ۳) «و من یهاجر فی سبیل الله إلی بلد آخر» (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۹۸ / ۱۱)

بعضی دیگر از مفسران کلمه‌ی هجرت را حرکت در مسیر خدا و رضایت و طاعت الهی می‌دانند. یعنی هجرت واقعی آن است که خدا از حرکت انسان راضی باشد. تفسیر التحریر و التنویر و اطیب البیان و منهج الصادقین این محتوا را ترجیح داده‌اند: «معنی المهاجرة إلی الله المهاجرة إلی الموضع الذی یرضاه الله. و عطف الرسول علی اسم الجلالة للإشارة إلی خصوص الهجرة إلی المدينة لالتحاق بالرسول و تعزیز جانبه» (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۳۷ / ۴) «کسی که هجرت کند و از وطن خود خارج شود در طریق الی الله می‌باید» (طیب، ۱۳۶۹: ۱۸۳ / ۴) «هر که هجرت کند در راه طاعت خدا» (کاشانی، بی‌تا: ۹۹ / ۳)

اما در تفسیر فی ظلال و المنار تفسیر مفصلتر و متفاوتی نسبت به سایر تفاسیر اجتهادی مشاهده می‌شود. سید قطب در تفسیر فی ظلال هجرت را برای رسیدن به سرزمین اسلامی و نظام اسلامی می‌داند. یعنی ایشان فضای هجرت را از بعد فردی فراتر می‌داند. بلکه در هجرت معیار را توجه به جامعه‌ی اسلامی می‌داند: «لا ولاية حتی یهاجر أولئك الذین یتکلمون بکلمة الإسلام؛ و ینضموا إلی المجتمع المسلم - أي إلی الأمة المسلمة - حیث تكون هجرتهم لله و فی سبیل الله. من أجل عقیدتهم، لا من أجل أي هدف آخر؛ و لإقامة المجتمع المسلم الذی یعیش بالمنهج الإسلامي لا لأی غرض آخر ... و هاجروا إلی دار الإسلام، لیعیشوا بالنظام الإسلامي، المنبثق من العقيدة الإسلامية، القائم علی الشریعة الإسلامية» (سید قطب، ۱۴۲۵: ۷۳۲ / ۲)

در تفسیر المنار نیز رشید رضا مفهوم هجرت را با نگاهی به مباحث اجتماعی تفسیر می‌کند. ایشان فلسفه‌ی هجرت را تشکیل یک جمعی قدرتمند برای دعوت به اسلام می‌دانند. و این جمع بودن قابلیت دارد که افراد به تنهایی آن توان را ندارند: «أن الهجرة شرعت لثلاثة أسباب أو حکم اثنان منها یتعلقان بالافراد و الثالث یتعلق بالجماعة: أما الاول فهو أنه لا يجوز لمسلم ان یقیم فی بلد یكون فیها ذلیلا مضطهدا فی حریتة الدینیة ... و أما الثاني فهو تلقي الدین و التفقه فیہ... و أما الثالث المتعلق بجماعة المسلمین فهو انه یجب علی مجموع المسلمین ان تكون لهم جماعة أو دولة قوية تنشر دعوة الاسلام.» (رشید رضا، ۱۴۱۴: ۳۵۸ / ۵)

در این رویکرد، هجرت به عنوان یکی از مفاهیم کلیدی قرآنی، از منظرهای مختلف تحلیل شده است. اکثر مفسران اجتهادی مانند نویسندگان تفاسیر المیزان، تبیان، طبری و نفحات الرحمن، هجرت را حرکت مکانی از سرزمین کفر به سرزمین اسلام (مانند هجرت از مکه به مدینه) تفسیر کرده‌اند.

با این حال، برخی مفسران مانند آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر تسنیم، به هجرت درونی (حرکت از ظلمت به نور و

از کفر به ایمان) نیز اشاره کرده‌اند. تفاسیری مانند نمونه و روض الجنان، هجرت را ترکیبی از هجرت مکانی و درونی می‌دانند و هر دو جنبه را مورد توجه قرار می‌دهند.

گروهی دیگر از مفسران، مانند نویسندگان تفاسیر روح المعانی، کاشف و تفسیر کبیر، بعد مکانی را معیار اصلی هجرت می‌دانند و آن را به عنوان ترک وطن برای رضایت خدا تعریف می‌کنند.

اما سید قطب در تفسیر فی ظلال القرآن و رشید رضا در تفسیر المنار، نگاهی اجتماعی و عمیق‌تر به هجرت دارند. سید قطب هجرت را حرکتی برای پیوستن به جامعه اسلامی و تحقق نظام اسلامی می‌داند، در حالی که رشید رضا فلسفه هجرت را در تشکیل جامعه‌ای قدرتمند برای دعوت به اسلام می‌بیند.

در نهایت، تفسیر اجتهادی هجرت را در سه سطح تحلیل می‌کند: مکانی (حرکت به سرزمین اسلام)، درونی (حرکت از کفر به ایمان)، و اجتماعی (حرکت برای تحقق نظام اسلامی). این تنوع نگرش‌ها نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری و جامعیت تفسیر اجتهادی در تطبیق مفاهیم اسلامی با شرایط معاصر است.

کسی که می‌خواهد از ولایت خدا بهره‌مند شود، باید از کفر و ظلم و گناه هجرت کند و به سوی ایمان و عدالت و تقوا روی آورد. در برخی از روایات مهاجر واقعی را کسی می‌دانند که از طاغوت به سمت امام خود هجرت کرده باشد. «وَالْهَجْرَةُ قَائِمَةٌ عَلَىٰ حَدِّهَا الْأَوَّلِ مَا كَانَ لِلَّهِ فِي أَهْلِ الْأَرْضِ حَاجَةٌ مِنْ مُسْتَسِيرِ الْأُمَّةِ (الْإِمَّةِ) وَ مُغْلِنِهَا لَا يَقَعُ اسْمُ الْهَجْرَةِ عَلَىٰ أَحَدٍ إِلَّا بِمَعْرِفَةِ الْحُجَّةِ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ عَرَفَهَا وَ أَقْرَبَهَا فَهُوَ مُهَاجِرٌ». (نهج البلاغه/خطبه ۲۳۵) (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۷/۹۹). طاغوت هر آن چیز یا کسی است که به جای خداوند در جایگاه پرستش قرار گیرد یا از حد خود بگذرد و سرکشی و تجاوز و شرانگیزی کند.

«ولایت پیوند است. این پیوند افراد جامعه‌ی اسلامی با هجرت کامل می‌شود. «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا» (انفال/۷۲). ایمان کافی نیست. بلکه پیوند ولایت که یک پدیده‌ی سیاسی، یک پدیده‌ی اجتماعی و یک حادثه‌ی تعیین‌کننده برای زندگی است، با تلاش، با حرکت، با هجرت، با در کنار هم بودن و با هم کارکردن حاصل می‌شود؛ لذا است که در نظام اسلامی، «ولیت» از مردم جدا نیست.» (مقام معظم رهبری ۱۳۷۷/۰۱/۲۷).

مسئله هجرت مربوط به مسئله ولایت می‌شود. ولی عادل به معنای قیوم یا حاکم است که خداوند به انتخاب خودش به برخی از بندگان داده است و آنها را به عنوان اولیای خود معرفی کرده است. این ولایت مبتنی بر علم و تقوا و عدالت و ایمان است و از طرف خداوند تأیید و تقریر شده است. ولایت رابطه و پیوند مستحکمی در میان مومنان است. و در مرتبه‌ی بعد ارتباط با اداره‌ی جامعه یعنی امام است. اگر ولایت را یک مسئله فرعی ندانیم، هجرت یکی از دنباله‌های مسئله ولایت است. اگر قرار هست که ما با تمام نیروهای خود بنده‌ی خدا باشیم نه بنده‌ی شیطان، باید از قید شیطان رها شویم به ولایت الهی برسیم. خارج شدن از ولایت ظالم و وارد شدن به ولایت عادل، اسمش هجرت است. آیا نمی‌شود در تحت ولایت شیطان، مسلمان بود؟ یا این که پیشوایان طاغوت، پیروان خود را به دوزخ می‌برند: «وَجَعَلْنَا هُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَىٰ النَّارِ» (قصص/۴۱). (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۵۳: ۷۹۴)

در ولایت طاغوت انسان‌ها ناخودآگاه به سمت جهنم می‌روند. مثل یک طور ماهیگیری که ماهی داخل آن، بدون اختیار به سمتی حرکت می‌کند که نمی‌داند. در زمان خلفا اگر حکومت را به ائمه (علیهم السلام) می‌سپردند، انسانیت رشد می‌کرد. در زمان پیغمبر پول، شمشیر، زبان، فکر و عواطف انسانی در خدمت خدا بود. در روایات داریم که زندگی در تحت ولایت الهی موجب نجات می‌شود، اگر چه در زندگی شخصی دچار گناه باشد. و زندگی در تحت ولایت طاغوت

موجب عذاب است، اگرچه در زندگی فردی دارای اعمال نیک باشد. (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۵۳: ۷۹۹)

در روایات بیان شده است که معیار الهی برای عذاب توجه به حاکم جائر است و معیار برای عفو و بخشش، حمایت و همراهی با ولی عادل است: «قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَأَعَذَّبَنَّ كُلَّ رَعِيَّةٍ فِي الْإِسْلَامِ دَانَتْ بِوَلَايَةِ كُلِّ إِمَامٍ جَائِرٍ لَيْسَ مِنَ اللَّهِ وَإِنْ كَانَتْ الرُّعِيَّةُ فِي أَعْمَالِهَا بَرَّةً تَقِيَّةً وَ لَأَعْفُونَ عَنْ كُلِّ رَعِيَّةٍ فِي الْإِسْلَامِ دَانَتْ بِوَلَايَةِ كُلِّ إِمَامٍ عَادِلٍ مِنَ اللَّهِ وَإِنْ كَانَتْ الرُّعِيَّةُ فِي أَنْفُسِهَا ظَالِمَةً مُسِيئَةً.» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۳۷۶) (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۰/۲۵) (مفید، ۱۴۱۳: ۲۶۰). رهبر عادل مثل یک راننده امین که راه بلد است، مسافران را به مقصد می‌رساند، ولو مسافران در مسیر شیطنت نیز داشته باشند. اما راننده مست مردم را به مقصد نخواهد رساند. هر چند که آنها اهل عمل صالح نیز باشند. در روز قیامت ملائکه از این فرد که گمراه شده سوال می‌کنند که کجا بودید؟ او می‌گوید که مستضعف بودم و هیچ اختیاری نداشتم «إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا» (نساء/۹۷). البته در جامعه‌هایی که با نظام صحیح اداره می‌شود و رهبر آن پیغمبر است، چنین توده‌ای را ندارند. و مستضعفان در نظام‌های فردی و طاغوتی هستند. البته در این جا ملائک جواب می‌دهند که مگر زمین خدا فقط در همان مکان بود. اما آنها جواب ندارند. البته استثناء هم دارد. پیرمردها و زنان و کودکان که امکان هجرت ندارند. «إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيَلًا وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا» (نساء/۹۸). البته آیه قرآن در ادامه به افرادی که ترس از هجرت دارند، امیدواری می‌دهد که زمینی وسیع را به دست می‌آورند. و در پایان می‌فرماید که اگر در مسیر هم فوت کنند، پاداش آنها بر عهده‌ی خدای متعال است. (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۵۳: ۸۱۷)

در کلام رهبر معظم انقلاب نیز بحث هجرت در مورد طلاب علوم دینی بسیار وارد شده است: «بعضی از بزرگان هستند که اگر به شهرهای دیگر بروند، وجودشان در آن جاها انفع از قم خواهد بود. حتی درباره‌ی بزرگان هم چنین چیزی وجود دارد. خوب؛ یک نفر مثل آیه‌الله میلانی رضوان‌الله‌تعالی‌علیه، از کربلا که دم گوش نجف بود و مثل ایشان در نجف و کربلا تعداد زیادی بودند، پا شد آمد مشهد و حوزه‌ی علمیه‌ی بزرگی را به وجود آورد... این هم هجرت؛ هجرت به جاهایی که احتیاج هست: به شهرها، حوزه‌ها، حوزه‌های بزرگ و حوزه‌های کوچک، و بعد به داخل دستگاه‌های دولتی، داخل ادارات، داخل کارخانه‌ها - آن جاها که طلبی و تمایلی هست - و بعد هجرت به خارج از کشور. امروز یکی از مصادیق هجرت، ممکن است این باشد.» (مقام معظم رهبری ۱۳۷۳/۰۶/۲۰)

مقام معظم رهبری مفهوم هجرت را در سه سطح تحلیل می‌کنند: مکانی، معنوی و اجتماعی.

۱. هجرت مکانی: حرکت از سرزمین کفر به سرزمین اسلام، مانند هجرت از مکه به مدینه.

۲. هجرت معنوی: حرکت از کفر به ایمان، از ظلم به عدالت و از گناه به سوی تقوا.

۳. هجرت اجتماعی: حرکت از ولایت طاغوت به ولایت امام عادل. ایشان تأکید می‌کنند که هجرت واقعی زمانی محقق می‌شود که فرد نه تنها جسم خود را به سرزمین اسلام برساند، بلکه با پیوستن به ولایت امام عادل، یک حرکت اجتماعی را نیز رقم بزند.

رهبری بر اهمیت ولایت در مفهوم هجرت تأکید می‌کنند و معتقدند که هجرت، پیوندی سیاسی و اجتماعی است که فرد را به نظام اسلامی متصل می‌کند. ایشان با استناد به آیه‌ی «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ»

حَتَّى يُهَاجِرُوا» (انفال / ۷۲)، بیان می‌کنند که ایمان به تنهایی کافی نیست و هجرت برای تحقق ولایت ضروری است. همچنین، رهبری با استناد به روایات، تأکید می‌کنند که زندگی در تحت ولایت طاغوت، حتی با اعمال نیک فردی، منجر به عذاب می‌شود، در حالی که زندگی در تحت ولایت امام عادل، حتی با وجود گناه فردی، می‌تواند موجب نجات باشد.

در نهایت، ایشان هجرت را نه تنها یک وظیفه فردی، بلکه یک مسئولیت اجتماعی می‌دانند که باید در راستای تحقق نظام اسلامی و پیروی از ولایت امام عادل انجام شود. این نگاه، هجرت را به عنوان یک مفهوم جامع و پویا در علوم اسلامی مطرح می‌کند که می‌تواند الگوی عملی برای جامعه معاصر باشد.

۲.۴. بررسی و تحلیل اقوال مفسران با رویکرد روایی

تفسیر روایی رویکردی است که بر اصالت و اعتبار حدیث به عنوان منبع اصلی تفسیر قرآن تأکید دارد. این رویکرد بر این باور استوار است که معانی و مفاهیم قرآن کریم باید بر اساس متون اصیل حدیثی تفسیر شوند و هرگونه تفسیر باید با این منابع اصلی همخوانی و انطباق داشته باشد. در این روش، نکات کلیدی و رهنمودهای موجود در احادیث به عنوان راهنمای اصلی برای فهم و تبیین آیات قرآن مورد توجه قرار می‌گیرند. بنابراین، تفسیر روایی نه تنها بر استفاده از احادیث به عنوان ابزاری برای تفسیر قرآن تأکید دارد، بلکه بر هماهنگی و تناسب بین آیات و روایات نیز پافشاری می‌کند. این رویکرد، احادیث را به عنوان منبع معتبر و مکمل در کنار قرآن می‌داند و از این طریق به فهم عمیق‌تر و دقیق‌تر متون مقدس می‌پردازد.

در اکثر تفاسیر روایی، مفهوم هجرت به رفتن از یک مکانی به مکان دیگر معنا شده است. یعنی آن را صرفاً مکانی تفسیر کرده‌اند. در این نظر حویزی، فیض کاشانی، سیوطی و قمی مشهدهی هم نظر هستند: «مَنْ فَرَّ بِدِينِهِ مِنْ أَرْضِ إِلَى أَرْضٍ» (حویزی، ۱۴۱۵: ۱ / ۵۴۰) «يَفَارِقُ أَهْلَ الشَّرْكِ وَيَهْرَبُ بِدِينِهِ مِنْ وَطَنِهِ إِلَى أَرْضِ الْإِسْلَامِ» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱ / ۴۹۱) «يَفَارِقُ أَهْلَ الشَّرْكِ، وَيَهْرَبُ بِدِينِهِ مِنْ وَطَنِهِ إِلَى أَرْضِ الْإِسْلَامِ» (قمی مشهدهی، ۱۳۶۸: ۳ / ۵۱۹) «المهاجر المباین لقومه في الهجرة خرج إلى قوم مؤمنين في ديارهم و عقارهم و أموالهم» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۳ / ۲۰۵)

برخی از تفاسیر روایی در تفسیر هجرت، یک گام جلوتر رفته‌اند. به حرکت مکانی و تحول درونی اکتفا نکرده‌اند. بلکه همراهی با امام را نیز در این مفهوم به تصویر کشیده‌اند. تفسیر البرهان و تفسیر قمی، از این دسته تفاسیر هستند که هجرت را به معنای جهاد به همراه امام (علیه السلام) دانسته‌اند: «إذا جاهد مع الإمام» (بحرانی، ۱۴۱۵: ۲ / ۱۶۰) «إذا جاهد مع الإمام» (قمی، ۱۳۶۳: ۱ / ۱۴۹)

این روش معتقد است که معانی قرآن باید بر اساس متون اصیل حدیثی تفسیر شود و هرگونه تفسیر باید با این منابع همخوانی داشته باشد. در این رویکرد، نکات کلیدی احادیث به عنوان راهنمای اصلی برای فهم آیات قرآن مورد استفاده قرار می‌گیرند.

در تفاسیر روایی، مفهوم هجرت عمدتاً به حرکت مکانی از یک مکان به مکان دیگر تفسیر شده است. مفسرانی مانند حویزی، فیض کاشانی، سیوطی و قمی مشهدهی، هجرت را به عنوان ترک وطن و مهاجرت به سرزمین اسلام تعریف کرده‌اند.

با این حال، برخی تفاسیر روایی مانند البرهان و قمی، گامی فراتر گذاشته و هجرت را نه تنها به عنوان حرکت مکانی،

بلکه به عنوان همراهی و جهاد با امام تفسیر کرده‌اند. این نگاه، هجرت را به عنوان یک حرکت اجتماعی و معنوی در کنار امام عادل تبیین می‌کند.

در نهایت، تفسیر روایی هجرت را در دو سطح تحلیل می‌کند: مکانی (حرکت از سرزمین کفر به سرزمین اسلام) و اجتماعی-معنوی (همراهی و جهاد با امام). این تنوع نگرش‌ها نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری و عمق تفسیر روایی در فهم مفاهیم قرآنی است.

۳.۴. بررسی و تحلیل اقول مفسران با رویکرد فقهی

تفسیر فقهی رویکردی است که به تحلیل مفاهیم و احکام فقهی از منظر قرآن می‌پردازد و تلاش می‌کند تا با توجه به شرایط زمانی و مکانی خاص، احکام شرعی را از آیات قرآن استخراج کند. این رویکرد بر بررسی دقیق موضوعات فقهی و ارائه راه‌حل‌های مبتنی بر اصول فقهی برای مسائل مورد نظر تأکید دارد. علمای فقه و اصول، از تفسیر فقهی به عنوان ابزاری برای استنباط و تحلیل مسائل فقهی از منابع اسلامی استفاده می‌کنند. این روش بیشتر در حوزه‌های علوم اسلامی و حقوق اسلامی کاربرد دارد و هدف آن، تفهیم و ارائه راه‌حل‌های فقهی برای مسائل مختلف بر اساس اصول و قواعد فقهی است. به عبارت دیگر، تفسیر فقهی به عنوان پلی بین متون مقدس و کاربرد عملی احکام در زندگی روزمره عمل می‌کند و به تطبیق احکام فقهی با شرایط معاصر می‌پردازد.

در اکثر تفاسیر فقهی به معنای هجرت به صورت دقیق اشاره‌ای نشده است. و معمولاً به صورت گذرا از آن عبور کرده‌اند. مثل تفسیر کنزالعرفان (فاضل مقداد، ۱۳۷۳: ۱ / ۳۵۴) و تفسیر احکام القرآن (قرطبی، ۱۴۶۴: ۸ / ۵۸) که هیچ اشاره‌ای به واژه هجرت نداشته‌اند.

برخی از تفاسیر فقهی هم فقط به بیان لفظ حرکت از مکه به مدینه اکتفاء کرده‌اند و هیچ تبیین دیگری را به آن اضافه نکرده‌اند. تفسیر فقه القرآن قطب راوندی این گونه است: «هاجروا من مکه إلى المدينة» (قطب راوندی، ۱۴۰۵: ۲ / ۳۴۴) این رویکرد بر بررسی دقیق موضوعات فقهی و ارائه راه‌حل‌های مبتنی بر اصول فقهی تأکید دارد و بیشتر در حوزه‌های علوم اسلامی و حقوق اسلامی کاربرد دارد.

در تفاسیر فقهی، مفهوم هجرت معمولاً به صورت گذرا و غیرتفصیلی مورد اشاره قرار گرفته است. برخی تفاسیر مانند کنزالعرفان و احکام القرآن، هیچ اشاره‌ای به واژه هجرت نکرده‌اند. در مقابل، تفاسیری مانند فقه القرآن قطب راوندی، هجرت را به صورت حرکت مکانی از مکه به مدینه تفسیر کرده‌اند، بدون اینکه تبیین بیشتری ارائه دهند.

در نهایت، تفسیر فقهی در مورد هجرت، تمرکز کمتری بر تحلیل عمیق این مفهوم دارد و بیشتر به جنبه‌های عملی و احکام فقهی می‌پردازد. این رویکرد، هجرت را به عنوان یک حکم شرعی مورد توجه قرار می‌دهد، اما از تحلیل ابعاد معنوی، اجتماعی و عمیق‌تر آن دور می‌ماند. این امر نشان‌دهنده تخصصی بودن تفسیر فقهی و تمرکز آن بر احکام عملی است.

۴.۴. بررسی و تحلیل اقول مفسران با رویکرد عرفانی

این رویکرد تلاش می‌کند تا به فهم عمیقی از معانی قرآن دست یابد و مفاهیم عرفانی و روحانی را مورد توجه قرار دهد. تفسیر عرفانی به معنای تأمل در مفاهیم معنوی و معرفتی قرآن و تحلیل عمیق تجربه‌های روحانی و معنوی است.

این رویکرد عمدتاً در مکتب‌های عرفانی و معنوی اسلامی به کار می‌رود و بر این اصل تأکید دارد که درک و تفسیر معانی اسلامی نیازمند تأمل، تجربه روحانی و ارتباط شخصی با الهیات است. تفسیر عرفانی به افراد این امکان را می‌دهد که با دیدی ژرف‌تر به معانی قرآن نگرسته و از طریق تجربه‌های معنوی به تعمیق درک خود از متون دینی بپردازند. این رویکرد نه تنها بر جنبه‌های ظاهری و حقوقی دین تأکید می‌کند، بلکه به ابعاد درونی و روحانی آن نیز توجه ویژه‌ای دارد، که می‌تواند منجر به تحول در زندگی فردی و اجتماعی مفسران و پیروان این مکتب گردد.

در تفاسیر عرفانی، هجرت به معنای حرکت در مسیر خدا و طریق حق و بریدن از غیر خدا بیان شده است. یعنی هجرت کردن از دنیا و ماسوی الله به سمت معنویت و خدا را تفسیر اصلی و حقیقی می‌دانند. ابن عربی، میبیدی و قشیری نظری نسبتاً یکسان دارند: «أبي مقار النفس المألوفة في سبيل طريق الحق بالعزيمة» (ابن عربی، ۱۴۲۲: ۱/۱۵۳) «از قوم خویش بخشم بیرون آید، از ایشان ببرد، و هجرت کند. پس آن بیرون آمدن وی مراغمه گویند، و رفتن برسول خدا هجرت گویند.» (میبیدی، ۱۳۷۱: ۲/۶۵۴) «من هاجر في الله عما سوى الله، و صحح قصده إلى الله» (قشیری، ۲۰۰: ۳۵۷/۱)

این رویکرد معتقد است که درک قرآن نیازمند تأمل، تجربه روحانی و ارتباط شخصی با الهیات است. تفسیر عرفانی نه تنها به جنبه‌های ظاهری دین می‌پردازد، بلکه به ابعاد درونی و روحانی آن نیز توجه ویژه‌ای دارد و می‌تواند منجر به تحول فردی و اجتماعی شود.

در تفاسیر عرفانی، هجرت به عنوان حرکت در مسیر خدا و بریدن از غیر خدا تفسیر می‌شود. مفسرانی مانند ابن عربی، میبیدی و قشیری، هجرت را حرکت از دنیا و ماسوی الله به سوی معنویت و خدا می‌دانند. ابن عربی آن را «مقار النفس المألوفة في سبيل طريق الحق» می‌نامد، میبیدی هجرت را «بیرون آمدن از قوم و حرکت به سوی رسول خدا» می‌داند، و قشیری آن را «هجرت به سوی خدا و دوری از غیر خدا» توصیف می‌کند.

در نهایت، تفسیر عرفانی هجرت را به عنوان یک حرکت معنوی و درونی تحلیل می‌کند که هدف آن رسیدن به خدا و بریدن از تعلقات دنیوی است. این نگاه، هجرت را فراتر از بعد مکانی و اجتماعی، در چارچوب سیر و سلوک عرفانی تبیین می‌نماید.

۴.۴. بررسی و تحلیل اقول مفسران با رویکرد ادبی

تفسیر ادبی رویکردی در علوم اسلامی است که به بررسی معانی و مفاهیم قرآن از منظر زبان‌شناسی و ادبیات می‌پردازد. این رویکرد تلاش می‌کند تا زیبایی‌ها و ابعاد هنری متون قرآنی را مورد تحلیل قرار دهد و با بهره‌گیری از علوم ادبی، چگونگی انتقال مفاهیم و ارزش‌های قرآنی از طریق زبان ادبی را تبیین کند. تفسیر ادبی بر شناسایی و تحلیل عناصر ادبی قرآن، مانند استعاره، مجاز، ایهام و سایر ابزارهای زبانی، و ارتباط آنها با محتوای متون مذهبی تمرکز دارد. این رویکرد بیشتر در زمینه‌های علوم ادبی و فرهنگی اسلامی کاربرد دارد و هدف آن، اندرکشیدن زیبایی و هنر متون قرآنی و انتقال مفاهیم اسلامی از طریق شیوه‌های ادبی است. به عبارت دیگر، تفسیر ادبی به عنوان پلی بین زبان و ادبیات و متون مقدس عمل می‌کند و به فهم عمیق‌تر و ظریف‌تر قرآن از منظر هنری و زبانی می‌پردازد.

در اکثر تفاسیر ادبی، هجرت به معنای ترک کردن سرزمین کفر و رفتن به سرزمین اسلام معنا شده است. هرچند برخی از این تفاسیر به هجرت از کفر به ایمان و هجرت مومنان عاصی به سمت خدا نیز اشاره کرده‌اند، اما معنایی که در

تفاسیر ادبی غالب است و به آن اشاره شده، همان ترک سرزمین کفر و طی کردن مسیر برای رسیدن به سرزمین اسلام است. تفاسیر کشاف، مجمع البیان، جلاءالاذهان، محررالوجیز، جلالین و بحرالمحیط نمونه‌هایی از این تفاسیر ادبی هستند که مبنای فوق را بیان داشته‌اند: کشاف: «فارقوا أوطانهم و قومهم حبا لله و رسوله: هم المهاجرون.» (زمخشری، ۱۴۰۷: ۲/ ۲۳۹) مجمع البیان: «یفارق أهل الشرك و یهرب بدینه من وطنه إلى أرض الإسلام» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳/ ۱۵۲) جلاءالاذهان: «هجرت بر سه نوع است: یکی - هجرت مؤمنان با رسول صلی الله علیه و آله و سلم از مکه بمدینه. دوم - هجرت کافران و منافقان از کفر و نفاق با ایمان است. سیم - هجرت مؤمنان از معاصی، رسول فرمود: المهاجر من هجر ما نهاه الله عنه.» (جرجانی، ۱۳۷۸: ۲/ ۲۵۵) محرر الوجیز: «هاجر الرجل إذا انتقل نقلة إقامة من موضع إلى موضع و قصد ترك الأول إيثارا للثاني» (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۱/ ۲۹۱) جلالین: «من أرض الكفر إلى بلد آخر» (محلّی، ۱۴۱۶: ۹۷) بحرالمحیط: «فهاجر قوم إلى المدينة» (ابوحیان، ۱۴۲۰: ۵/ ۳۵۷)

در تفاسیر ادبی، مفهوم هجرت عمدتاً به عنوان ترک سرزمین کفر و حرکت به سوی سرزمین اسلام تفسیر شده است. مفسرانی مانند زمخشری در کشاف، طبرسی در مجمع البیان، جرجانی در جلاءالاذهان، ابن عطیه در محرر الوجیز، محلّی در جلالین و ابوحیان در بحرالمحیط، هجرت را به عنوان حرکت مکانی از سرزمین کفر به سرزمین اسلام تعریف کرده‌اند.

با این حال، برخی تفاسیر ادبی مانند جلاءالاذهان، علاوه بر بعد مکانی، به هجرت درونی (حرکت از کفر به ایمان یا از گناه به سوی خدا) نیز اشاره کرده‌اند.

در نهایت، تفسیر ادبی هجرت را در دو سطح تحلیل می‌کند: مکانی (حرکت از سرزمین کفر به سرزمین اسلام) و درونی (حرکت از کفر به ایمان). این رویکرد، با تمرکز بر زبان و ادبیات، به فهم عمیق‌تر و ظریف‌تر قرآن از منظر هنری و زبانی می‌پردازد.

۵. ارائه مفهوم هجرت در قرآن با رویکرد تحلیلی

دیدگاه مقام معظم رهبری درباره مفهوم «هجرت» یکی از عمیق‌ترین و جامع‌ترین تفسیرهایی است که در میان مفسران معاصر ارائه شده است. در حالی که بسیاری از مفسران کلاسیک و حتی معاصر هجرت را به معنای صرفاً مکانی، یعنی انتقال از سرزمین کفر به سرزمین اسلام (همچون هجرت پیامبر از مکه به مدینه) تلقی کرده‌اند، مقام معظم رهبری با نگاهی چندلایه و راهبردی، ابعاد گسترده‌تری از این مفهوم را واکاوی کرده‌اند. ایشان هجرت را در سه سطح اصلی تحلیل می‌کنند: هجرت مکانی، هجرت معنوی و هجرت اجتماعی.

در سطح نخست، یعنی هجرت مکانی، فرد با ترک محیط ناسالم، فاسد یا غیر دینی به سمت محیطی سالم، اسلامی و دینی گام برمی‌دارد. این سطح از هجرت، اساساً ریشه در تجربه تاریخی مسلمانان در صدر اسلام دارد، که در آن مؤمنان برای حفظ ایمان خود و ایجاد امت اسلامی مجبور به ترک وطن خود شدند.

در سطح دوم، یعنی هجرت معنوی، فرد از درون خویش هجرت می‌کند؛ از کفر، عصیان، گناه، وابستگی‌های نفسانی و تعلقات دنیایی به سمت ایمان، بندگی، توبه، و تقرب به خدا حرکت می‌کند. این هجرت، بعد شخصی، روحی و سلوکی دارد که در آن، انسان با مجاهدت درونی، سیر الی الله را آغاز می‌کند. مقام معظم رهبری این هجرت را زیربنای همه

تحولات فردی می‌دانند و آن را لازمه تهذیب نفس و بنای شخصیت ایمانی معرفی می‌کنند. اما مهم‌ترین بعد مورد تأکید ایشان، هجرت اجتماعی است؛ هجرتی که فرد نه فقط در سطح فردی، بلکه در سطح اجتماعی، سیاسی و تمدنی، از نظام‌های مبتنی بر طاغوت به سوی نظام مبتنی بر ولایت امام عادل حرکت می‌کند. این هجرت، نقطه اتصال فرد مؤمن با جامعه اسلامی و نظام اسلامی است. در واقع، فرد با پذیرش ولایت الهی و پیوستن به جبهه حق، از سلطه طاغوت خارج می‌شود و در مسیر تحقق عدالت، توحید اجتماعی و امت واحده گام برمی‌دارد. این دیدگاه با آموزه‌های تفاسیر روایی و مصلحان معاصر هماهنگ است. تفسیر البرهان و قمی هجرت را در قالب «جهاد با امام» معرفی کرده‌اند که با هجرت اجتماعی همخوانی دارد. سید قطب نیز در تفسیر «فی ظلال القرآن»، هجرت را عاملی برای ساختن جامعه اسلامی در برابر جاهلیت می‌داند. رشید رضا در تفسیر «المنار» نیز هجرت را زمینه‌ساز قدرت، استقلال و شکل‌گیری امت اسلامی معرفی کرده است. بنابراین، مقام معظم رهبری با تبیین ابعاد سه‌گانه هجرت، این مفهوم را از حالت صرفاً تاریخی و فردی خارج کرده و به یک الگوی تمدن‌ساز و اجتماعی تبدیل کرده‌اند. این تفسیر، هجرت را یک وظیفه مستمر و زنده می‌داند؛ حرکتی درونی، بیرونی و تمدنی که امروز نیز برای تحقق جامعه اسلامی و اتصال فرد به نظام ولایی، راهبردی است. هجرت در این نگاه، ابزار بازسازی فرد و جامعه در مسیر تحقق آرمان‌های اسلامی است و می‌تواند الگویی مؤثر برای هدایت حرکت‌های اجتماعی معاصر در جهان اسلام باشد.

۶. نتایج

در مقایسه‌ی نظر مفسران مشهور و مقام معظم رهبری پیرامون مفهوم «هجرت» در قرآن کریم، نتایج تحقیق به شرح زیر خلاصه می‌شود:

۱. نظر مشهور مفسران: اکثر مفسران در گرایش‌های اجتهادی (مانند المیزان و التبیان)، روایی (مانند نورالثقلین و صافی)، و ادبی (مانند کشاف و مجمع البیان)، هجرت را حرکت مکانی از مکه به مدینه تفسیر کرده‌اند.
۲. هجرت درونی: برخی مفسران مانند نویسندگان تفسیر نمونه و تسنیم، علاوه بر هجرت مکانی، به هجرت درونی (حرکت از کفر به اسلام یا از گناه به سوی خدا) نیز اشاره کرده‌اند.
۳. نگاه عرفانی: مفسران عرفانی مانند ابن عربی و میبیدی، هجرت را حرکت به سوی حق و بریدن از غیر خدا تفسیر کرده‌اند که نگاهی کاملاً متفاوت با سایر تفاسیر است.
۴. تفاسیر فقهی: در تفاسیر فقهی مانند کنزالعرفان و احکام القرآن، به موضوع هجرت پرداخته نشده و از آن گذر شده است.
۵. نگاه اجتماعی و عمیق‌تر: گروهی از مفسران، از جمله نویسندگان تفاسیر روایی مانند البرهان و قمی، و تفاسیر اجتهادی مانند فی ظلال القرآن (سید قطب) و المنار (رشید رضا)، هجرت را در عرصه‌های اجتماعی و با هدف تحقق نظام اسلامی تفسیر کرده‌اند. آنها هجرت واقعی را حرکت از ولایت طاغوت به ولایت امام عادل می‌دانند.
۶. دیدگاه مقام معظم رهبری: ایشان هجرت را در سه سطح تحلیل می‌کنند: مکانی (حرکت به سرزمین اسلام)، معنوی (حرکت از کفر به ایمان)، و اجتماعی (حرکت از ولایت طاغوت به ولایت امام عادل). این نگاه، هجرت را به عنوان یک حرکت جامع و اجتماعی برای تحقق نظام اسلامی تبیین می‌کند که در کتاب «طرح کلی اندیشه اسلامی» به تفصیل

بیان شده است.

در نهایت، دیدگاه مقام معظم رهبری از عمق و جامعیت بیشتری برخوردار است و هجرت را نه تنها در ابعاد فردی و معنوی، بلکه در چارچوب تحقق ولایت امام عادل و نظام اسلامی تحلیل می‌کند.

۷. تشکر و قدردانی

تشکر از تمامی اساتید محترمی که در رشد علمی بنده سهیم بوده اند.

۸. منابع

- قرآن کریم

- نهج البلاغه

۱. ابن منظور، محمد ابن مکرم، ۱۳۸۵ ش)، *لسان العرب*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
۲. ابن عاشور، محمد طاهر، (۱۴۲۰ ق)، *تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور*، ۳۰ جلد، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
۳. ابن عربی، محمد بن علی، (۱۴۲۲ ق)، *تفسیر ابن عربی (تأویلات عبد الرزاق)*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴. ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، (۱۴۲۲ ق)، *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
۵. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، (۱۴۰۸ ق)، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی.
۶. ابوحیان، محمد بن یوسف، (۱۴۲۰ ق)، *البحر المحیط فی التفسیر*، بیروت: دار الفکر.
۷. آلوسی، محمود بن عبدالله، (۱۴۱۵ ق)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
۸. بحرانی، هاشم بن سلیمان، (۱۴۱۵ ق)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم: موسسه البعثة، قسم الدراسات الإسلامیة.
۹. جرجانی، حسین بن حسن، (۱۳۷۸ ق)، *جلاء الأذهان و جلاء الأحزان (تفسیر گازر)*، تهران: دانشگاه تهران.
۱۰. حسینی خامنه ای، سید علی، (۱۳۹۲ ش)، *طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن*، تهران: نشر صهبا.
۱۱. حویزی، عبدعلی بن جمعه، (۱۴۱۵ ق)، *تفسیر نور الثقلین*، قم: اسماعیلیان.
۱۲. راغب اصفهانی، محمد بن حسین، (۱۳۹۲ ش)، *مفردات الفاظ قرآن*، تهران: نوید اسلام.
۱۳. رضا، محمد رشید، (۱۴۱۴ ق)، *تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار*، بیروت: دار المعرفة.
۱۴. زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷ ق)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، بیروت: دار الکتب العربی.
۱۵. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، (۱۴۰۴ ق)، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
۱۶. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۹۰ ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
۱۸. طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲ ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، بیروت: دار المعرفة.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن، (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۰. طیب، عبدالحسین، (۱۳۶۹ ش)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: نشر اسلام.
۲۱. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، (۱۳۷۳ ش)، کنز العرفان فی فقه القرآن، تهران: نشر مرتضوی.
۲۲. فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ ق)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۳. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، (۱۴۱۵ ق)، تفسیر الصافی، تهران: مکتبه الصدر.
۲۴. قرطبی، محمد بن احمد، (۱۳۶۴ ش)، الجامع لأحكام القرآن، تهران: ناصر خسرو.
۲۵. قشیری، عبدالکریم بن هوازن، (۲۰۰۰ م)، لطائف الاشارات: تفسیر صوفی کامل للقرآن الکریم، قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
۲۶. قطب راوندی، سعید بن هبه الله، (۱۴۰۵ ق)، فقه القرآن (راوندی)، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
۲۷. قطب، سید، (۱۴۲۵ ق)، فی ظلال القرآن، بیروت: دار الشروق.
۲۸. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، (۱۳۶۸ ش)، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۹. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۳ ش)، تفسیر القمی، قم: دار الكتاب.
۳۰. کاشانی، فتح الله بن شکرالله، (بی تا)، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق)، الکافی، تهران: انتشارات الإسلامية.
۳۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۳ ق)، بحار الأنوار، بیروت.
۳۳. محلی، محمد بن احمد، (۱۴۱۶ ق)، تفسیر الجلالین، بیروت: مؤسسة النور للمطبوعات.
۳۴. مغنیه، محمد جواد، (۱۴۲۴ ق)، التفسیر الکاشف، قم: دار الكتاب الإسلامية.
۳۵. مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ ق)، الإختصاص، قم: انتشارات مفید.
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱ ش)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۳۷. میبدی، احمد بن محمد، (۱۳۷۱ ش)، کشف الاسرار و عدة الابرار (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری)، تهران: امیر کبیر.
۳۸. نهاوندی، محمد، (۱۳۸۶ ش)، نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن، مؤسسة البعثة، قم: مرکز الطباعة و النشر.
۳۹. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۰)، تسنیم، قم: نشر اسراء.

40. <https://farsi.khamenei.ir/>